

شاخصه‌های تمدن اسلامی و انطباق آن با مؤلفه‌های بیداری اسلامی

احمد رضا بهنیا فر^۱

چکیده

ظهور اسلام با بیداری بشریت از خواب غفلت، تحولی عمیق در جامعه انسانی ایجاد کرد و تعلم، تعقل و تفکر را جایگزین مصادیق و معیارهای جاهلی با محدوده مکانی و زمانی بسیار گسترده نمود. فرهنگ و تمدن اسلامی که زاینده اسلام و گسترش آن بود با شاخصه‌هایی چون الهی بودن، اعتقاد به خلافت الهی و کرامت انسانی بشر، تأکید بر دانش‌اندوزی و عدالت‌گستری، اصلاح جامعه، همبستگی و استبدادستیزی مظاهر عصر خود و آینده را تحت الشعاع قرار داد.

تمدن اسلامی پس از دوران اوج خود این شاخصه‌ها را از دست داد ولی مهم‌ترین دلیل احیای آن بیداری اسلامی است که با انقلاب اسلامی آغاز گردید و به سایر مناطق سرایت پیدا کرد. هدف پژوهش حاضر آن است که با استفاده از روشی توصیفی و تحلیلی روشن نماید که شاخصه‌های تمدن اسلامی با مؤلفه‌های بیداری اسلامی انطباق دارد و نتیجه حاصله نیز آن است که احیای تمدن اسلامی در عصر حاضر در گرو بیداری اسلامی در

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد دامغان



جهان اسلام با همان شاخصه‌های تمدن اسلام است. کلیدواژه‌ها: اسلام، تمدن اسلامی، بیداری اسلامی، جهان اسلام، شاخصه، مؤلفه، انطباق.

مقدمه

دین اسلام ضمن ایجاد تحولی عمیق در جامعه انسانی، فرهنگ و تمدن جدیدی را با شاخصه‌هایی چون الهی بودن و داشتن نگرش توحیدی، اعتقاد به مقام والای انسان، تعقل‌ورزی، علم‌اندوزی، بصیرت‌افزایی، عدالت‌گستری، اصلاح‌طلبی، استقلال‌خواهی و با مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه نمود ولی به تدریج این شاخصه‌ها بنا به دلایل مختلف ضعیف شد و در نتیجه تمدن اسلامی دچار ضعف و ایستایی گردید. هر چند که طی قرون دهم تا سیزدهم هجری در دوره حاکمیت صفویه، گورکانیان هند و عثمانی بر ممالک اسلامی جهت احیای تمدن اسلامی گام‌هایی برداشته شد ولی تداوم نیافت و در نهایت جهان اسلام به سستی و رکود گرایید. کم‌رنگ شدن شاخصه‌های تمدن اسلامی و سلطه استعمار و ایجاد حکومت‌های خودکامه و وابسته در این رکود و ایستایی نقش مهمی داشت.

از این رو در دو سده اخیر، نهضت بیداری اسلامی به رغم تنوع گرایش‌ها و تفاوت‌های ظاهری با پیامی واحد و با هدف تجدید حیات اسلامی، احیای تمدن اسلامی و نظام‌سازی بر مبنای آموزه‌ها و ارزش‌های الهی شکل گرفت که منادیان آن در گذشته و حال همان شاخصه‌های تمدن اسلامی را به عنوان مؤلفه و ویژگی‌های بیداری اسلامی مطرح نمودند.

بروز انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی (ره) به عنوان احیاگر بیداری ملت‌ها در عصر حاضر نقطه عطفی در تحولات بیداری اسلامی شمرده می‌شود، چون تجربه عملی انقلاب اسلامی در عرصه‌های معنوی، نقش عوامل دینی و غیر مادی را در سازندگی نیروی انسانی به عنوان یک دستاورد جهانی نشان داد و این تجربیات توشه ارزشمندی برای انقلابیون و نهضت‌های آزادی‌بخش محسوب می‌گردد.

بنابراین پرداختن به موضوع بیداری اسلامی با توجه به شرایط عصر حاضر و احیای اقتدار جهان اسلام و تمدن اسلامی و نیز بسط و گسترش تفکر بیداری به سایر نقاط و جهان شمول شدن آن امری ضروری است. از این رو سؤال اصلی مقاله آن است که

آیا شاخصه‌های تمدن اسلامی با مؤلفه‌های بیداری اسلامی انطباق دارد؟ برای پاسخ دادن به این سؤال با روشی توصیفی و تحلیلی ضمن بیان شاخصه‌های تمدن اسلامی و مؤلفه‌های بیداری اسلامی و نقش و تأثیر انقلاب اسلامی در آن، در پایان به انطباق شاخصه‌های تمدن اسلامی با مؤلفه‌های بیداری اسلامی پرداخته شده است.

چیستی تمدن اسلامی و بیداری اسلامی

الف. تمدن اسلامی

با توجه به اینکه تمدن معانی مختلفی دارد ولی اصلی‌ترین معنای آن شهرنشین شدن و اقامت در شهر است و بر همین اساس، این کلمه معادل واژه شهرآیینی و به معنای حسن معاشرت است.^۱ البته رابطه میان شهر و تمدن، رابطه جزء و کل است نه ظرف و مظروف. بنابراین اگرچه تمدن (Civilization) از مدینه به معنای شهر ریشه می‌گیرد ولی در اصل شهر معلول تمدن بوده نه علت آن، یعنی به واقع شهر جزء تمدن است.^۲ به همین دلیل تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان آمده است.^۳

از این رو تمدن عبارت است از برقراری نظم اجتماعی و جامعه‌پذیری جهت همکاری و تعاون میان انسان‌ها که زمینه را برای مقبولیت یک فرهنگ فراهم می‌سازد. به تعبیر دیگر تمدن زندگی جمعی همراه با پذیرش نظم اجتماعی است که نتیجه آن تحقق خلاقیت فرهنگی می‌باشد.^۴

تمدن‌ها بر اساس نوع تکوین اشکال مختلفی دارند و هر یک دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان به وسیله آن تمدن‌ها را از یکدیگر باز شناخت و تقسیم‌بندی نمود و تمدن اسلامی از نوع تمدن‌های یکجانشین مبتنی بر حیات دینی و ایدئولوژیک است.

از این رو تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که پایه و اساس آن بر محور دین اسلام قرار دارد و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: دین و اصول دینی، اخلاق، علم، عدالت و قواعد و مقررات، به طوری که مدینه‌النبی بر اساس همین ارکان و مؤلفه‌ها شکل گرفت.

در نتیجه تمدن اسلامی عبارت است از تمدنی ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال در این دو بعد

۱. فاطمه جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف، ۱۳۸۶، ص ۲۴.

۲. جان برنال، علم در تاریخ، ترجمه اسدپور و دیگران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۸۶.

۳. فرهنگ فارسی معین (۶جلدی)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.

۴. ویلیام جیمز دورانت، تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن)، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب

اسلامی، ۱۳۷۰.





بروز انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی (ره) به عنوان احیاگر بیداری ملت‌ها در عصر حاضر نقطه عطفی در تحولات بیداری اسلامی شمرده می‌شود، چون تجربه عملی انقلاب اسلامی در عرصه‌های معنوی، نقش عوامل دینی و غیر مادی را در سازندگی نیروی انسانی به عنوان یک دستاورد جهانی نشان داد و این تجربیات توشه ارزشمندی برای انقلابیون و نهضت‌های آزادی‌بخش محسوب می‌گردد

ب: بیداری اسلامی

واژه بیداری به معنای فعال شدن هوش و آگاهی است و حالتی روحی و روانی محسوب می‌شود که با آن ملتی به توان کارایی، استعداد و رشد خود پی می‌برد.

بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است. به بیان دیگر تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه که در پناه آن استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی خداوند دوباره احیاء می‌شود، بیداری اسلامی نام دارد.

بیداری اسلامی به مجموعه تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی اطلاق می‌گردد.

این حرکت به رغم تنوع گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوت، منادی پیام واحدی در تاریخ با مضمون بازگشت دین به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان است و هدف از این بازگشت ساختن یک تمدن جدید اسلامی با بکارگیری ارزش‌های خالص اسلامی در قالب تمدن اسلامی است.

از این رو هدف بیداری اسلامی تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع می‌شود.

سوق می‌دهد.^۱

با عنایت به اینکه تمدن اسلامی مجموعه دستاوردها و موارث تمدنی است که از یک سو ناشی از فرهنگ اسلامی و از سوی دیگر ناشی از ترکیب دستاوردها و تجربیات سایر ملل در گستره تاریخ و جغرافیای اسلام است و مسلمانان در نوآوری، خلاقیت و رشد آن سهم بسزایی داشتند، می‌توان گفت ریشه‌های تمدن اسلامی هم در تاریخ و هویت تمدن بشری و هم در حیات پرمایه دینی و معنوی اسلام نهفته است.

۱. فاطمه جان احمدی، همان، ص ۵۲.

انقلاب اسلامی ایران نقطه عطف در تجدید حیات تمدن اسلامی و احیای بیداری اسلامی

در واقع می‌توان انقلاب اسلامی ایران را سرآغاز تحولات عمیقی دانست؛ تحولاتی که با تهاجم به مبانی تمدن غرب در پی بازسازی و جبهه تمدن بزرگ اسلامی بوده است. تجربه عملی انقلاب اسلامی ایران در عرصه‌های معنوی، نقش عوامل دینی و غیر مادی را در سازندگی نیروی انسانی به عنوان یک دستاورد جهانی نشان داده است. این تجربیات توشه ارزشمندی برای انقلابیون و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان محسوب می‌شود؛ به ویژه آنکه اسلام‌گرایی و افتخار به آن، توکل به خدا و امدادهای الهی، شجاعت و شهامت نمونه‌ای از خصوصیات نیروهای انقلابی در ایران می‌باشد. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند:

قبل از انقلاب اسلامی در بسیاری از کشورها و از جمله ممالک اسلامی، گروه‌ها، جوان‌ها، ناراضیان و آزادی‌طلب‌ها با ایدئولوژی چپ وارد میدان می‌شدند اما بعد از انقلاب اسلامی پایه و مبنای حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش اسلام شد. امروزه در هر نقطه از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی به انگیزه آزادی‌خواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند، مبنا، قاعده کار، امید و رکنشان تفکر اسلامی است.^۱

در جایی دیگر ایشان بیان می‌دارند:

شکی نیست که در کشورهای بیدار شده مثل تونس، مصر و... و حتی کشورهایی که نظام‌های طاغوتی و تحمیلی دارند، نگاهی به ملت ایران داشته‌اند. دنیا ملت ایران را به مسلمانی همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی در میدان‌های مختلف می‌شناسد.^۲

بنابراین در عصر حاضر، اسلام و اندیشه‌های نورانی امام‌راحل (ره) در افق دورتر هم خود را نشان می‌دهد که نمونه عینی آن اعتراض ضد سرمایه‌داری «وال استریت» در نیویورک است که موج آن جهان را فرا گرفته و در هم شکستن نظام سرمایه‌داری غرب مانند شکسته شدن استخوان‌های سوسیالیست شرق کاملاً به گوش می‌رسد. این امر خود گواه انتقال پیام بیدار‌گرایانه امام خمینی (ره) و صدور انقلاب عاشورایی ایران اسلامی است. عامل اصلی تأثیرپذیری مسلمانان مبارز در نهضت‌ها از انقلاب اسلامی

۱. حدیث ولایت، ۲/۲۹۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۵.



ایران، توسعه فرهنگ عاشورا و قیام حسینی (ع) است و این فرهنگ در شور انقلابی و سلحشوری مبارزین تأثیر زیادی ایجاد نموده است.^۱

شیخ سعید شعبان رهبر جنبش توحید اسلامی لبنان می‌گوید:

جهاد مسلمانان لبنان و عملیات شهادت طلبانه آنان همگی الهام گرفته از حرکت جهادی برخاسته از انقلاب اسلامی ایران است.^۲

انقلاب اسلامی که با شعار جهان شمولی پا به عرصه حیات سیاسی گذاشت، برای همراه کردن مردم جهان به دنبال تحقق عملی الگوهای عقیدتی خود بوده تا محرومان به شکل ملموس اسلام را حس کنند. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم ولو یک الگوی ناقصی باشد نشان بدهیم که همه عقلای عالم غیر از آنهایی که جنایت کاران بالذات هستند و همه ملت‌های مظلوم بفهمند که اسلام چه آورده و می‌خواهد در دنیا چه بکند، اسلام با این محرومین، با این مظلومین، با این گرفتارها می‌خواهد چه کند، که اینها را نجات بدهد.^۳

در واقع حرکت انقلابی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) روحیه خودباوری، دین‌باوری، استقلال‌خواهی، آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی ملت‌ها را زنده نمود و به علت ویژگی‌های منحصر به فرد در ابعاد مختلف به عامل تأثیر گذار بر جنبش‌های بیداری اسلامی و مرکز ساماندهی تمدن نوین اسلامی تبدیل شده است. از این رو گراهام فولر تئوریسین امریکایی می‌نویسد:

امام خمینی (ره) با انقلاب اسلامی نه تنها جامعه داخلی ایران و نه تنها منطقه خاورمیانه بلکه کل جهان اسلام را متوجه خود ساخت.^۴

و به تعبیر دیگر انقلاب اسلامی بنیاد شالوده‌شکنی در نظریه پردازی غرب محسوب می‌شود.^۵

شاخصه‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی به عنوان نمونه کاملی از تمدن دینی شاخصه‌هایی دارد که آن را از

۱. موسی نجفی، *انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی* (موج چهارم بیداری اسلامی)، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳-۱۲۱.

۲. *اطلاعات*، ۱۳۶۷/۸/۸.

۳. *صحیفه امام*، ج ۱۸، ص ۱۵۸-۱۵۷.

۴. گراهام فولر، *قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱.

۵. موسی نجفی، *همان*، ص ۱۲۵.

دیگر تمدن‌ها متمایز می‌نماید. این شاخصه‌ها منبعث از قرآن و سنت بوده و از این جهت می‌تواند پاسخگوی پرسش‌های فراروی بشر باشد و الگو و نمونه‌ای برای سایرین محسوب شود.

عمده‌ترین شاخصه‌های تمدن اسلامی عبارت‌اند از:

۱. دینی و الهی بودن

دین عاملی مؤثر و کلیدی در تولید کردن، پرورش دادن و به ثمر رساندن تمدن است و با مطالعه تاریخ انبیاء الهی در قرآن کریم و با

با عنایت به اینکه تمدن اسلامی مجموعه دستاوردها و موارث تمدنی است که از یک سو ناشی از فرهنگ اسلامی و از سوی دیگر ناشی از ترکیب دستاوردها و تجربیات سایر ملل در گستره تاریخ و جغرافیای اسلام است و مسلمانان در نوآوری، خلاقیت و رشد آن سهم بسزایی داشتند، می‌توان گفت ریشه‌های تمدن اسلامی هم در تاریخ و هویت تمدن بشری و هم در حیات پرمایه دینی و معنوی اسلام نهفته است

عنایت به کوشش‌های آنان در جهت بسط فرهنگ و بنای تمدن به این مهم پی می‌بریم. دین، بشر را به سوی برپایی اجتماعی منسجم و منظم و به دور از پراکندگی و بی‌سامانی رهنمون گشته و با ارایه عقلانیتی متعالی، انسان‌ها را در مسیر نیل به سعادت و رفاه به پیش می‌راند.

با در نظر گرفتن مبادی مذهبی تمدن درمی‌یابیم که در تمدن‌های بزرگ از جمله تمدن اسلامی فعالیت‌های اجتماعی اعم از نظری و علمی و تجارب سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فکری و فلسفی برخاسته از نوعی نگاه مذهبی و گرایش دینی است.

تمدن اسلامی با مجموعه‌ای از قوانین دینی که برگرفته از قرآن و سنت است همه ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می‌شود و به همین دلیل توانست طی قرون متمادی جامعه را به سمت تکامل هدایت نماید.

از طرف دیگر این قواعد دینی با اصول طبیعی حیات بشری مطابقت داشت و از این جهت توانست در مدت زمانی کوتاه محدوده مکانی و جغرافیایی تمدن اسلامی را بسط و گسترش دهد؛ به طوری که تا پایان قرن اول هجری از هندوستان تا اقیانوس اطلس و از قفقاز تا خلیج فارس پرچم اسلام به اهتزاز درآمد.^۱

۱. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۶۷، ص ۱۸۱ و ۲۸۷؛ گای لسترنج، سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۹؛ فیلیپ خلیل حتی، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، ۱۳۶۶، ص ۶۳۳.





حرکت انقلابی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) روحیه خودباوری، دین باوری، استقلال خواهی، آزادی خواهی و عدالت طلبی ملت ها را زنده نمود و به علت ویژگی های منحصر به فرد در ابعاد مختلف به عامل تأثیر گذار بر جنبش های بیداری اسلامی و مرکز ساماندهی تمدن نوین اسلامی تبدیل شده است

۲. نگرش توحیدی

بر سر پرده اندیشه سیاسی دین اسلام پرتو لاله‌الاله تجلی یافته و شعار پیامبر اسلام (ص) عبارت بود از «قولوا لاله‌الاله تفلحوا».

اسلام از این طریق همه اقوام و ملل مختلف که در حیطة جامعه اسلامی قرار گرفتند رازیر لوای وحدانیت گرد آورد و پیوند عمیقی میان آنها برقرار نمود. از این رو می توان گفت شاخصه اصلی تمدن اسلامی عقیده به خدای واحد و

حاکم مطلق بر جهان است.

اسلام با این ویژگی همه ادیان را به اتحاد در پرستش خداوند فرامی خواند. خداوند در قرآن می فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا».^۱ از این رو پیامبر اسلام (ص) مسلمانان و اهل کتاب را امت واحد می خواند.

بنابراین اصل وحدت و یکپارچگی که مورد تأیید اسلام است نتیجه نگرش توحیدی در این آیین الهی است و عاملی مهم در پیشرفت اسلام، ایجاد امنیت و در نتیجه تمدن سازی و شکوفایی آن محسوب می شود؛ به طوری که گوستاو لوبون فرانسوی توحید و اجتماع مسلمانان را تحت لوای آن سبب عمده پیشرفت و کامیابی مسلمانان می داند.^۲

۳. اعتقاد به نقش محوری انسان

انسان در آموزه های دین اسلام حائز مقام بسیار والایی است. او مخلوق و خلیفه خدا در زمین و دارای شخصیتی مستقل، آزاد و مختار است؛ وی موجودی مسلط بر طبیعت، زمین و آسمان بوده و ظرفیت علمی و عملی نامحدود دارد و از شرافت و کرامت ذاتی برخوردار می باشد.^۳

انسان با فطرت، غریزه و عقل خود از عوامل اساسی شکل گیری و شکوفایی تمدن محسوب می شود. تمدن محصول توان انسان در غلبه بر نیروهای طبیعی است که از یک سو حاصل شناسایی قوانین حاکم بر آن از مسیر علم و دانش و از سوی دیگر امکان

۱. قرآن کریم، ۶۴/۳.

۲. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۸، ص ۷۹۰.

۳. قرآن کریم، ۱۶۵/۶، ۷۲/۳۳، ۲۹/۲، ۱۳/۴۵، ۷۰/۱۷.

کنترل و تصرف نیروهای طبیعت به نفع خواسته‌های بشر به وسیله تکنولوژی است. بنابراین در تمدن مبتنی بر دین مانند تمدن اسلامی تربیت و رشد انسان جایگاه محوری دارد. از این رو در جهان بینی تمدن‌ساز اسلام به ابعاد مادی و معنوی انسان توجه ویژه‌ای شده و با شکوفا کردن و مبعوث نمودن استعدادها و ظرفیت‌های معنوی وی، انسان به سطحی از قدرت دست یافت که توانست ضمن غلبه بر عوامل تأثیرگذار محیط بیرونی راه رشد معنوی و مادی را به رغم وجود موانع متفاوت در پیش گیرد و در کنار تزکیه و تعلیم به فراهم کردن ظرفیت‌های مادی متناسب با این تحول که همانا ایجاد جامعه و تمدن نوین اسلامی است، بپردازد.

۴. تأکید بر خردورزی و دانش‌اندوزی

اسلام دین تفکر، تعمق و تعقل است. در قرآن تعقل و تفکر بن‌مایه و چشمه جوشان دانش محسوب می‌شود و چنان جایگاه رفیعی دارد که به شکل استفهام انکاری در سیزده آیه «افلا تعقلون» و در هفده آیه «افلا تتفكرون» آمده است.^۱

از نظر قرآن عقل موهبتی الهی است که آدمی را به سوی حق هدایت کرده و از گمراهی نجات می‌دهد و منظور از عقل در قرآن ادراکی است که در صورت سلامت فطرت به طور تام برای انسان حاصل می‌گردد.^۲ اسلام برای علم و دانش نیز اهمیت زیادی قائل است. در قرآن خداوند شهادت صاحبان علم را تالی شهادت خدا و ملائکه خوانده و می‌فرماید: «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکه و اولوالعلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم»^۳ در سیره و سنت پیامبر (ص) نیز طلب دانش بر هر مسلمانی فرض شده و دانشمندان وارث پیامبران در نظر گرفته شده‌اند.^۴

در نتیجه با این تفکر، اسلام عقلانیت مبتنی بر علم را ستایش می‌کند و فعالانه آنها را در سرنوشت تمدنی بشر دخیل می‌داند. «يرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات»^۵

توجه خاص دین اسلام به تعلم و تعقل موجب شد که بعدها با دستیابی مسلمانان به منابع و مراکز علمی ملل مجاور و آشنایی علمی و عینی گسترده آنها با تمدن‌های

۱. اصغر منتظرالقائم، تاریخ اسلام تا سال چهارم هجری، تهران، سمت با همکاری دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶، ص ۲۴۴.
۲. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری نشر فرهنگی رجاء و انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۵۲-۲۵۰.
۳. تفران کریم، ۱۸/۳.
۴. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲، ص ۸۲-۸۱ و ۹۶.
۵. تفران کریم، ۱۱/۵۸.





بروز انقلاب اسلامی ایران که نقطه عطفی در بیداری اسلامی محسوب می‌شود در تجدید حیات تمدن اسلامی نقش بسزایی داشته است و امام خمینی (ره) را یکی از برجسته‌ترین احیاگران بیداری اسلامی و تمدن اسلامی در قرن اخیر می‌دانند چون با انقلاب اسلامی ایران پروژه‌های اصلی تمدن‌سازی مانند تولید علم، آزاداندیشی، عدالت خواهی، استقلال‌طلبی، کرامت‌انسانی و... مطرح شد و به لحاظ عینی و عملی نیز در طول سه دهه گذشته اقدامات اساسی و مهمی در این زمینه انجام گردید

پیشین از طریق فتوحات، شرایط مناسبی برای شکل‌گیری مدنیت جدید فراهم شود. به این ترتیب پایه اصلی علم و تمدن اسلامی در خود اسلام و در محیط مساعد و سفارش و تشویقی که اسلام بر آن داشت، بود.^۱

۵. توجه به اخلاق انسانی

تأکید اسلام به اخلاق انسانی سبب بقا، رشد و تعالی تمدن بشری شده است. از مجموع آیاتی که در این رابطه در قرآن وجود دارد این حقیقت دریافت می‌شود که سقوط اخلاقی و بحران معنویت مقدمه سقوط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و

نظامی و عامل نابودی نظام‌ها و تمدن‌ها است و این یکی از سنت‌های حاکم بر جامعه و تاریخ است؛ چون یک جامعه و تمدن هنگامی می‌تواند به حیات سعادت‌مند خود ادامه دهد و به پویایی و پایایی، رشد و تکامل خود امیدوار باشد که اصول، ارزش‌ها و اخلاق انسانی را در جامعه رعایت نماید.^۲ در تمدن اسلامی تا زمانی که اصول و اخلاق انسانی و اسلامی رعایت می‌شد، رشد و پیشرفت وجود داشت و زمانی که به ویژه در عهد امویان و برخی ادوار بنی‌عباس اصول اخلاقی پایمال گردید، تمدن اسلامی نیز دچار ضعف و رکود شد.

۶. عدالت خواهی و مساوات‌طلبی

ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جوامع و پیدایش و شکوفایی تمدن‌ها است. به همین دلیل قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح نموده و برای تحقق همه‌جانبه و حقیقی آن در زندگی جوامع، تمدن‌ها و نظام‌ها سخت می‌کوشد و در رابطه با ظلم و ستم، انحراف، انحصار، استبداد، فتنه، تباهی و دین‌گریزی سخت هشدار می‌دهد.

۱. عبدالحسین زرین‌کوب، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۲۸.

۲. علی کریمی فریدنی، ظهور و سقوط تمدن‌ها/ از دیدگاه قرآن، قم، نسیم انتظار، ۱۳۸۵، ص ۴۱۹.



در اسلام اصل عدالت در نظام آفرینش و جهان بینی، نظام حقوقی و وضع قوانین زندگی، اجرای سیاست و مدیریت، جهانداری و نیز در سیستم اخلاقی و منش انسانی تعریف شده است^۱ و بسان روحی بر کالبد جوامع و تمدن هاست؛ به طوری که می توان گفت عدالت باعث قوام، دوام، اقتدار و پیروزی جامعه و تمدن است.

در نتیجه، تأکید ویژه به آزادی، برابری و مساوات از ویژگی‌های اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ زیرا اسلام همه افراد بشر را برابر دانسته و عواملی مانند رنگ، نژاد، خون، ثروت و زبان که جهات امتیاز طبقاتی و تبعیضات قومی و نژادی در دنیا شناخته می شدند را به کلی مردود می داند. خداوند در قرآن می فرماید:

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر^۲

از این جهت در حوزه وسیع تمدن اسلامی اقوام و ملل مختلف نظیر عرب، ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی ذمیان زندگی می کردند.

در واقع وعده‌های عدالت و برابری و برادری که در اولین پیام‌های مسلمانان در فتوحات سر داده شد چنان جذابیتی داشت که بسیاری از مردم نواحی مختلف نه تنها جذب اسلام شده بلکه در گسترش فکری، فرهنگی و پیشرفت تمدنی سهم بسزایی داشتند.

۷. رفق و مدارا

یکی از مهم ترین شاخصه‌های تمدن و فرهنگ اسلامی و عامل رشد آن از بدو ظهور تا به امروز مدارا بوده است. سیر تاریخی اندیشه مدارا در اسلام به زمان ظهور این دین الهی بازمی گردد؛ به طوری که در سیره پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم (ع) جلوه‌گری خاصی داشت. زمینه این تسامح، بلند نظری و عدم تعصب آیات قرآن و روایات معصومین (ع) بود که بر رفق و مدارا با اهل کتاب تأکید داشتند و به اصطلاح در مسلمانان روح تساهل و تسامح در مقام علم آموزی و فراگیری به وجود آورد؛ از این رو نسبت به تمدن‌های پیشین موضع ویژه‌ای را اتخاذ کرد. بدین صورت که نه در مقابل آنها صف آرایی نمود و نه در برابر آن تمدن‌ها منفعل شد بلکه به رفع نقاط منفی و جذب نقاط مثبت تمدن‌های دیگر پرداخت.^۳ از این جهت دکتر زرین کوب می نویسد:

تمدن اسلامی نه تقلید کننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود و نه

۱. همان، ص ۴۳۸.

۲. قرآن کریم، ۱۳/۴۹.

۳. محمدرضا کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۶۸-۶۵.

ادامه‌دهنده محض بلکه ترکیب‌کننده بود و تکمیل‌سازنده.^۱ نتیجه رفق و مدارا در تمدن اسلامی آن بود که وظایف افراد بدون در نظر گرفتن عقیده و مذهب شخصی به اهل آن سپرده می‌شد و همه تعقیب‌شدگان دربار بیزانس و یا علم‌جویان ایرانی را به بیت‌الحکمه اسلامی دعوت کرد و عرب، عجم، نصارا، زردشت و یهود در کنار یکدیگر با آسایش و آرامش وصف‌ناپذیر به خلق آثار علمی مبادرت نمودند.^۲ از این رو تسامح و مدارا که در قلمرو اسلامی میان اقوام و ملل مختلف ایجاد شد لازمه رشد تمدن واقعی گردید و مادر تمدن انسانی اسلام لقب گرفت.^۳

۸. استبدادستیزی

ظهور اسلام در مکه نقطه عطفی در آغاز تحولات جدید در شبه‌جزیره عربستان و جهان آن روز بود و از جهت مقابله با استبداد و خودکامگی رؤسای قبایل عربستان و پادشاهان کشورها و ظلم و ستم آنها به مردم اهمیت بسزایی داشت. در شبه‌جزیره عربستان ساختار سنتی رهبری قبیله‌ای در صدر اسلام مانعی برای گسترش اسلام بود که به مرور زمان و با جایگزین شدن رهبری پیامبر (ص) تضعیف شد. آن حضرت پس از صلح حدیبیه (در سال هفتم هجرت) از طریق نامه‌نگاری با سران کشورها، آنان را به پذیرش دین جدید دعوت نمود تا از طریق آشنایی با اعتقادات اسلامی از ظلم و ستم به مردم و خودکامگی دست بردارند. سیاست پیامبر (ص) به عنوان پایه‌گذار تمدن اسلامی، بر اساس آیات قرآن «وامرهم شوری بینهم و شاورهم فی الامر» مشورت با مردم به ویژه صحابه بود تا با ایجاد یک نظام مبتنی بر اصل شورا مردم در سرنوشت خود شریک باشند، چراکه آن حضرت به این اصل واقف است که تمدن بدون مشارکت مردم میسر نخواهد شد. پس از رحلت پیامبر (ص) سیره آن حضرت به تدریج به فراموشی سپرده شد و استبداد خلفا و حکام یکی از عوامل ضعف و رکود تمدن اسلامی گردید.

۹. جهان‌شمولی

اسلام از همان ابتدا داعیه جهان‌شمولی داشت و حتی آیات بسیاری در مکه نازل شد که جنبه جهانی اسلام را نشان می‌دهد.^۴ دین اسلام خود را در حصار تنگ نژادی، قومی

۱. عبدالحسین زرین‌کوب، همان، ص ۲۹.

۲. فاطمه جان‌احمدی، همان، ص ۶۸.

۳. عبدالحسین زرین‌کوب، همان، ص ۲۳-۲۱.

۴. قرآن کریم، ۲۸/۳۴، ۱۵۷/۷، ۱۰۵/۲۱، ۲۷/۸۱؛ و مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۶۶، ص ۶۸.

مهم‌ترین عنصر تشکیل هویت بیداری اسلامی مردمی بودن آن است. وابسته بودن رژیم‌های کشورهای منطقه به غرب باعث شد که منافع کشورهای بیگانه ولی حامی این رژیم‌ها بر منافع مردم رجحان و برتری داشته باشد. از سوی دیگر وابسته بودن این نظام‌های مستبد باعث می‌گردد که مردم در تعیین سرنوشت خود تأثیرگذار نباشند. بنابراین عدم مشارکت مردم در ساختار سیاسی و تعیین سرنوشت خود از مؤلفه‌های مهم در بروز نهضت بیداری اسلامی است

و زبانی محصور نساخت و اگرچه خاستگاه آن در میان قوم عرب بود ولی رسالتی جهانی را تبلیغ می‌کرد. لذا در حوزه وسیع دنیای اسلام اقوام و ملل مختلف عرب، ایرانی، هندی، مغولی، چینی، ترک، آفریقایی و حتی اقوام ذمی به هم آمیختند. همین نکته سبب شد که مسلمانان از هر قوم و ملتی بودند خود را منادی اسلام بدانند. بنابراین اسلام یک دین جهان‌شمول است و تمدن اسلامی نیز ویژگی جهان‌شمولی دارد. از طرف دیگر تمدن اسلامی دارای یک تئوری سیاسی است که در چهارچوبی جهان‌شمول

برای همه جوامع برنامه دارد و همین برنامه‌ها در مسائل سیاسی، حکومتی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی طبیعتاً تمدن اسلامی را نسبت به سایر تمدن‌ها برجسته‌تر می‌کند؛ در نتیجه در تمدن اسلامی هم تنوع نژادی و قومی وجود دارد و هم تنوع زبانی و منطقه‌ای، چراکه از مرزهای هند و چین تا سواحل اقیانوس اطلس و از قفقاز تا خلیج فارس را شامل می‌گردد.

ادوار ضعف و رکود تمدن اسلامی و تجدید حیات آن

تمدن اسلامی مانند بسیاری از تمدن‌های دیگر در طی حیات خویش دوره‌های افت و خیز متعددی را پشت سر گذاشته است، اما هیچ‌گاه به طور کلی منحل و مضمحل نشده و به موضوعی تاریخی تبدیل نگشته است. در واقع در اوج و حضيض تداوم خود را نیز حفظ کرده است. اولین دوره انقطاع یا افول تمدن اسلامی پس از یک دوره اوج به تدریج از قرن پنجم هجری به بعد آغاز شد و ضعف و رخوت بر تار و پود آن حاکم شد. در ایجاد این وضعیت هر چند که عوامل داخلی، علل اصلی محسوب می‌شدند ولی عوامل بیرونی نیز مزید بر علت شد.

شکوفایی دوباره تمدن اسلامی از قرون دهم تا سیزدهم هجری در دوران حاکمیت صفویان، گورکانیان و عثمانی رخ داد و پس از آن ضعف و رکود تمدن اسلامی مجدداً آغاز گردید.





عمده‌ترین مؤلفه‌های بیداری اسلامی عبارت‌اند از: ۱. اسلام‌گرایی؛ ۲. مقابله با استعمار و استبداد؛ ۳. مردمی بودن؛ ۴. خودباوری؛ ۵. وحدت تحت لوای اسلام (امت اسلامی)؛ ۶. عدالت‌خواهی؛ ۷. جهان‌شمولی

بروز انقلاب اسلامی ایران که نقطه عطفی در بیداری اسلامی محسوب می‌شود در تجدید حیات تمدن اسلامی نقش بسزایی داشته است و امام خمینی (ره) را یکی از برجسته‌ترین احیاگران بیداری اسلامی و تمدن اسلامی در قرن اخیر می‌دانند چون با انقلاب اسلامی ایران پروژه‌های اصلی تمدن‌سازی مانند تولید علم، آزاداندیشی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، کرامت‌انسانی و... مطرح شد و به لحاظ عینی و عملی نیز در طول سه دهه گذشته اقدامات اساسی و مهمی در این زمینه انجام گردید.

مؤلفه‌های بیداری اسلامی

هر چند که سابقه بیداری اسلامی به دو سده اخیر بازمی‌گردد، اما اگر این حرکت را در یک منحنی رسم کنیم، حرکت امام خمینی (ره) را در قالب انقلاب اسلامی ایران طی این دو بیست سال در قله این منحنی می‌توان ترسیم نمود. با توجه به رهبری امام خمینی (ره) در روپارویی با قدرت‌ها و به پیروزی رساندن یک انقلاب و راهبری موج بیداری اسلامی و مواجهه با مسائل آن به واقع باید عصر حاضر را عصر امام خمینی (ره) دانست که ویژگی مهم آن احیای اسلام و ارزش‌های الهی و معنوی، بیداری اسلامی، شجاعت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی‌های مستبدان و مستکبران است. در واقع انقلاب اسلامی سرآغاز تحولات عمیقی شد که نیروی محرکه لازم را برای حرکت‌های انقلابی جدید تحت عنوان بیداری اسلامی بر سه پایه مهم ایجاد کرد:

۱. بازگشت به اسلام ناب که در صدر اسلام توانست بر قدرت‌های بزرگ آن زمان غلبه کند.
 ۲. وحدت جهان اسلام که استعمار سالیان دراز تلاش کرد تا با تکیه بر اصولی چون تفرقه بینداز و حکومت کن میان فرقه‌های مختلف اسلامی فاصله بیشتری بیندازد.
 ۳. استکبارستیزی و مقابله با کفر و الحاد و طاغوت.
- عمده‌ترین مؤلفه‌های بیداری اسلامی عبارت‌اند از:

۱. اسلام‌گرایی

هدف اصلی و هسته مرکزی خیزش اسلامی استقرار تعالیم و ارزش‌های اسلامی است. چون اکثریت قریب به اتفاق مردم در این حرکت‌ها مسلمانان هستند و تعلق خاطر

شدیدی به اسلام و قوانین اسلامی دارند و در مقابل، حکام این کشورها معمولاً رویکرد سکولار داشته‌اند؛ از این جهت روی کار آمدن نظام‌های جدید در کشورهای تونس، مصر و لیبی پس از انقلاب با رویکرد اسلام‌گرایی مؤید مبنا قرار دادن تعالیم اسلام در این کشورها است. از طرف دیگر اگرچه در این کشورها ممکن است مطالبات اقتصادی و سیاسی نیز جزء خواست‌های مردمی باشد ولی تبدیل مکان‌ها و نهادهای مذهبی مثل نمازهای جمعه و جماعات و مساجد به عنوان خاستگاه و نقطه آغاز حرکت و همچنین شعارهای اسلامی که نمایان‌گر جهت‌گیری اصلی این تحولات است، در میان تمام حرکات‌های اسلامی دیده می‌شود. از این جهت مقام معظم رهبری می‌فرماید:

ما بین حرکات‌های به وجود آمده در غزه، تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن تفاوتی قائل نیستیم... حرکات‌های صورت گرفته با شعار اسلام و در جهت آزادی مورد تأیید ماست... حرکت امت اسلامی است.^۱

۲. مقابله با استعمار و استبداد

مخالفت با سلطه استکبار و رژیم‌های وابسته به آنها از جمله خواسته‌های مشترک در نهضت بیداری اسلامی است. عمده حرکات‌های قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی در کشورهای اسلامی مانند جنبش اخوان المسلمین مصر، سوریه، عربستان و نیز جمعیت‌القیام و الدعوه و جبهه نجات ملی در الجزایر، قیام مهدی سودانی و اعلام جهاد علیه انگلیسی‌ها هدفشان مقابله با استعمار و استبداد بود.

دلیل عمده این مخالفت توسط مردم این کشورها با استکبار، تسلط کشورهای غربی به ویژه آمریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی آنها است. از طرف دیگر حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و حمایت مستبدان و قدرت‌های بزرگ از آن باعث ضدیت مردم و گروه‌های اسلامی با نظام‌های سلطه و وابسته شده است. در نتیجه تلاش‌های همسو دولت‌های منطقه علیه جریانات اسلامی و همراهی این دولت‌ها با قدرت‌های بزرگ باعث ظهور حرکات‌های ضد استبدادی و استعماری در ممالک اسلامی شده است. از این رو می‌توان گفت استقلال طلبی یکی از اهداف مهم نهضت بیداری اسلامی است. برای استقلال نیز دو مرحله باید در نظر گرفت:

۱. استقلال در حوزه اقتدار سیاسی یک جامعه، کشور و تصمیمات کلان حوزه سیاست؛ از این نظر کشور زمانی مستقل است که جز به منافع ملی، مکتب و سیستم خویش نیندیشد و محور تصمیم‌گیری همان منافع کلی جامعه و مصالح عمومی باشد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱/۱.





همه احیایگران بیداری اسلامی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، اقبال لاهوری و امام خمینی (ره) بر عامل وحدت مسلمانان و مستضعفان اتفاق نظر دارند و آن را دلیل احیای اسلام اصیل می‌شمارند

لازمه این نوع استقلال آن است که بیگانه در تصمیم‌گیری‌ها دخالت نداشته باشد.

۲. استقلال به معنای درخواست عدم وابستگی در سطح دستگاه رهبری است؛ بدین معنا که رهبران و کادر مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها از تحت نفوذ بیگانه خارج باشند.^۱

لازم به ذکر است که استقلال در هر دو معنا در

نهضت بیداری اسلامی به ویژه حرکت‌های اخیر مشاهده می‌شود.

۳. مردمی بودن

مهم‌ترین عنصر تشکیل هویت بیداری اسلامی مردمی بودن آن است. وابسته بودن رژیم‌های کشورهای منطقه به غرب باعث شد که منافع کشورهای بیگانه ولی حامی این رژیم‌ها بر منافع مردم رجحان و برتری داشته باشد. از سوی دیگر وابسته بودن این نظام‌های مستبد باعث می‌گردید که مردم در تعیین سرنوشت خود تأثیرگذار نباشند. بنابراین عدم مشارکت مردم در ساختار سیاسی و تعیین سرنوشت خود از مؤلفه‌های مهم در بروز نهضت بیداری اسلامی است.

آنچه در بیداری اسلامی ملت‌ها اهمیت دارد آن است که این بیداری از گروه‌ها و احزاب عبور کرده و به درون متن مردم رفته است. به همین دلیل مردم حضوری واقعی در میدان عمل و صحنه مبارزه داشته و در تعیین هدف، شناسایی دشمن، ساختن شعارها، ترسیم آینده مطلوب و جلوگیری از انحراف و سازش با دشمن نقش اصلی را ایفا می‌نمایند.

۴. خودباوری

خودباوری از مؤلفه‌های عمده در بیداری اسلامی است؛ زیرا باعث می‌شود فرد برای خود و جامعه خویش شخصیت و هویت قائل شود، به خود باور داشته باشد و کعبه آمال خود را در دیگران نیابد و تازمانی که در بین مردم ایجاد نشود، بیداری نیز تحقق پیدا نمی‌کند. امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید:

... باید مسلمین بیدار بشوند. امروز روزی نیست که مسلمان‌ها هر کدام یک گوشه‌ای زندگی تنهایی بکنند و خودشان بین خودشان در هر کشوری یک زندگی خاص به خود داشته باشند، نمی‌شود این معنا.

۱. محمد حسین جمشیدی، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی،



در یک همچو زمانی که سیاست‌های ابرقدرت‌ها بلعیدن همه جاست، مسلمین باید بیدار بشوند... و همه تحت لوای اسلام و تحت سیطره قرآن باشند. الحمدلله مسلمین هم عده‌شان قریب یک میلیارد هست و هم ممالکشان یک ممالکی است غنی، ثروتمند و هم افرادشان افراد لایق؛ لکن... مسلمین را طوری کردند که از خودشان مأیوس شدند... باید مسلمین جدیت کنند مجد خودشان را پیدا کنند.^۱

در جایی دیگر نیز چنین بیان داشتند:

... ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام بدهند، تا نخواهیم یک کاری را نمی‌توانیم و تا بیدار نشویم، نمی‌خواهیم. ما را در غفلت و در خواب نگه داشتند...^۲

در نتیجه مبارزه با خودباختگی در برابر غرب و دستیابی به خودباوری به عنوان یک عامل روانی در احیای نقش بسزایی در اتحاد و پیروزی نهضت بیداری اسلامی دارد.

۵. وحدت تحت لوای اسلام (امت اسلامی)

همه احیاگران بیداری اسلامی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، اقبال لاهوری و امام خمینی (ره) بر عامل وحدت مسلمانان و مستضعفان اتفاق نظر دارند و آن را دلیل احیای اسلام اصیل می‌شمارند. ندای اتحاد اسلام در برابر غرب را نخستین بار سید جمال‌الدین اسدآبادی مطرح کرد و منظور او از اتحاد اسلام، اتحاد مذهبی که امری غیر عملی است، نبود بلکه منظور اتحاد جبهه‌ای و سیاسی یعنی تشکیل صف واحد در مقابل دشمن غارتگر بود.^۳

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

امروزه فریاد دفاع از اتحاد امت اسلامی و بیداری اسلامی در دنیای اسلام در کشورهای مختلف و در میان ملل گوناگون انعکاس مطلوب و مثبتی داشته است... دل‌های آحاد امت اسلامی باید روز به روز به هم نزدیک شود و وسایل و ابزارهای تفرقه و اختلاف که به وسیله دشمن بر ملت‌های مسلمان تحمیل شده است نباید در فضای بیداری امروزه

۱. صحیفه/امام، ج ۱۲، ص ۳۱۹-۳۱۸.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۵۳۲.

۳. علی اصغر خندان، آسیب‌شناسی دینی از دیدگاه شهید مطهری، تهران، دفتر مطالعات و بررسی‌های

اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۰.

مسلمانان مؤثر افتد. مسلمین علی‌رغم بعد منطقه‌ای و جغرافیایی و اختلاف زبان و نژاد باید با یکدیگر همدل، هم‌زبان، هم‌فکر و هم‌گام باشند و به سمت هدف‌های بزرگ اسلامی حرکت کنند.^۱

در نتیجه وحدت بین مسلمانان و مستضعفان جهان رمز اصلی تداوم حیات آنها محسوب می‌شود.

۶. عدالت خواهی

عدالت دیرینه‌ترین خواسته و بنیادی‌ترین آرمان آدمی است و جزء عالی‌ترین ارزش‌های حاکم بر اندیشه و زندگی انسان است. میل به عدالت و گرایش به قسط و عدالت خواهی امری برخاسته از نهاد و طبع درونی انسان‌ها بوده و به تعبیری در خمیرمایه او سرشته شده است.^۲

عدالت عامل وحدت جامعه بشری و اجتناب از اختلاف است؛ در جامعه عادلانه یا مبتنی بر قسط نشانه‌ای از اختلاف، فتنه و آشوب دیده نمی‌شود، ولی در جامعه‌ای که عدالت وجود ندارد، تبعیض حاکم است که منشأ عمده فسادها و اختلافات در جامعه محسوب می‌شود. از این جهت جامعه مبتنی بر تبعیض، جامعه نامتعادل و ناهمگون است و انقلاب در آن به وقوع می‌پیوندد.

ماهیت عدالت خواهی در بیداری اسلامی بیانگر قیامی با انگیزه نفی ظلم و جنایت‌های حکومت‌ها است و تحقق آن نیز در گرو حاکم شدن ارزش‌های دینی، مشروعیت سیاسی و اجتماعی حکام و مبارزه و جهاد است؛ و عدالت خواهی ملت‌ها در جریان بیداری اسلامی عامل رشد و شکوفایی استعداد آنها در دستیابی به رفاه و توسعه بر مبنای دین، قانون، نظام اجتماعی، تربیت و تهذیب مردم جامعه و در نهایت جامعه ایده‌آل اسلامی خواهد بود.

۷. جهان‌شمولی

بیداری اسلامی به تشیع و جهان اسلام محدود نمی‌شود بلکه بازتاب آن به اروپا و آمریکا نیز خواهد رسید. در نظریه بیداری اسلامی تنوع نژادی، قومی، مذهبی، زبانی و منطقه‌ای وجود دارد. از طرف دیگر با توجه به اینکه هدف اصلی بیداری اسلامی نظام‌سازی است و در آن تئوری سیاسی اهمیت بسزایی دارد، لذا در یک چهارچوب جهان‌شمول برای همه جوامع برنامه‌ای جامع و مدون را مطرح نموده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۲.

۲. محمدحسین جمشیدی، همان، ص ۲۸۵.

انطباق شاخصه‌های تمدن اسلامی با مؤلفه‌های بیداری اسلامی

پس از پرداختن به شاخصه‌های تمدن اسلامی و مؤلفه‌های بیداری اسلامی در این بخش به تطبیق آنها می‌پردازیم تا مشخص شود که این دو، تا چه اندازه با یکدیگر انطباق دارند.

۱. فرهنگ اسلامی که اساس و جوهره تمدن اسلامی است بر دو پایه قرآن و سنت شکل گرفته، از این رو تمدن اسلامی نیز بر مبنای این دو منبع مهم الهی به وجود آمده است. بنابراین تمدن اسلامی، تمدن دینی و ایدئولوژیک محسوب می‌شود که بر مبنای دین اسلام و فرهنگ اسلامی ایجاد گردیده است.

از سوی دیگر تمدن اسلامی، تمدنی ترکیبی است. بدین معنی که علاوه بر فرهنگ اسلامی از دستاوردها و تجربیات تمدنی سایر ملل نیز بهره‌مند گردید. البته این امر نیز ناشی از دستورات الهی است، آنجا که خداوند می‌فرماید: «فبشر عباد الذین يستمعون القول فیتبعون احسنه»^۱

بنابراین تمدن اسلامی بر مبنایی دینی و با ویژگی تسامح و تساهل و بهره‌گیری از اصول اخلاقی اسلامی و انسانی توانست از نقاط مثبت سایر تمدن‌ها بهره‌مند شود.

در بیداری اسلامی که به معنای زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است هدف بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی می‌باشد؛ از این رو با عنایت به اینکه بیداری اسلامی نیز به دنبال تجدید حیات اسلام است در نتیجه گرایش به اسلام و داشتن نگرش توحیدی وجه مشترک تمدن اسلامی و بیداری اسلامی است.

۲. در تمدن اسلامی و نهضت بیداری اسلامی انسان‌ها نقش محوری و اساسی دارند. انسان به عنوان خلیفه خدا در زمین رکن اصلی تمدن‌سازی و جنبش‌های اصلاحی و انقلابی است و با شکوفاشدن استعدادها و ظرفیت‌های مادی و معنوی او و نیز غلبه بر عوامل طبیعی نه تنها زمینه برای شکل‌گیری و شکوفایی مظاهر مختلف تمدنی فراهم گردید بلکه انسان توانست با شکل دادن به نظام سیاسی و اجتماعی مورد نظر خود در سرنوشت خویش سهیم و شریک باشد.

در نتیجه در تمدن اسلامی و بیداری اسلامی انسان با فطرت، غریزه و عقل خود از ارکان اصلی و اساسی محسوب شده که می‌تواند در شکوفایی علم و تمدن و شکل دادن به نهضتی اصلاحی و انقلابی جهت ایجاد جامعه مطلوب نقش آفرین باشد.

۱. قرآن کریم، ۱۷/۳۹ و ۱۸.



۳. از جمله نقاط اشتراک تمدن اسلامی و بیداری اسلامی استبدادستیزی است. یکی از اهداف مهم دین اسلام آزاد کردن انسان‌ها از هر قید و بندی است که در طول زمان بر دست و پای او پیچیده شده بود، «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم»^۱ و فکر و عقل انسان را از رشد و نمو باز می‌داشت. از مهم‌ترین مصادیق این قید و بندها حاکمان مستبدی بودند که بر جان و روان انسان‌ها تسلط یافته و مانع حرکت و پیشرفت او می‌شدند. از این جهت اسلام با حکومت‌های خودرأی و مستبد به مخالفت پرداخت و حکومت اسلامی بر مبنای اصل مشورت قرار گرفت.

همین امر منجر به رشد و پیشرفت تعاملات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شد که اثرات آن در ادوار بعد نیز تداوم یافت و منجر به جذب عالمان، اندیشمندان، صنعت‌گران و حاملان علم و فرهنگ و هنر گردید. بررسی تاریخ تمدن اسلامی نیز نشان می‌دهد که هر اندازه استبداد حکام و شاهان کمتر بود به همان اندازه جامعه بستر مساعدتری برای رشد و توسعه فرهنگ و تمدن به دست می‌آورد.^۲

در نهضت بیداری اسلامی از آغاز تا امروز استبدادستیزی یکی از اهداف مهم محسوب می‌شود. عمده حرکت‌ها و جنبش‌های دو سده اخیر در ممالک اسلامی علیه استبداد حاکم بود. هر چند که باید توجه نمود استبداد پدیده‌ای نیست که بتوان آن را به دوره تاریخی خاص محصور کرد اما در برخی از برهه‌های تاریخی، استبداد شکل و نوع خاص خود را پیدا می‌کند که مورد توجه مورخان و اندیشمندان قرار می‌گیرد. مشروطه‌خواهی در برخی از ممالک اسلامی نظیر عثمانی و ایران نمونه عینی نارضایتی مردمی و مقابله با استبداد شاهان بوده است. در نهضت بیداری اسلامی که در عصر حاضر در کشورهای چون تونس، مصر، لیبی و یمن اتفاق افتاد منجر به برکناری حکام مستبد و ایجاد یک نظام سیاسی مردمی گردید و در بحرین و برخی دیگر از کشورهای عربی حرکت مردم علیه نظام استبدادی حاکم ادامه دارد.

۴. با توجه به اینکه اسلام داعیه جهان شمولی داشته و رسالتی جهانی را تبلیغ می‌نماید، تمدن اسلامی و بیداری اسلامی نیز دارای چنین داعیه و هدفی بوده و هستند. از یک طرف هیچ‌گاه اسلام خود را در حصار تنگ نژاد، رنگ، قوم، زبان و منطقه منحصر نکرد، همان طوری که بیداری اسلامی نیز خود را محدود به این موارد ننمود زیرا بیداری اسلامی به تشیع و جهان اسلام محدود نمی‌شود بلکه بازتاب آن به

۱. همان، ۱۵۷/۷.

۲. علی‌اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳.

تمدن اسلامی و بیداری اسلامی دارای یک تئوری سیاسی هستند که در یک چهارچوب جهان‌شمول برای همه جوامع برنامه دارند، برنامه‌ای که بر مبنای خدامحوری، نگرش توحیدی، تعقل‌گرایی، بصیرت‌افزایی، عدالت و آزادی خواهی و استقلال‌طلبی است

اروپا و امریکا نیز خواهد رسید؛ از سوی دیگر تمدن اسلامی و بیداری اسلامی دارای یک تئوری سیاسی هستند که در یک چهارچوب جهان‌شمول برای همه جوامع برنامه دارند، برنامه‌ای که بر مبنای خدامحوری، نگرش توحیدی، تعقل‌گرایی، بصیرت‌افزایی، عدالت و آزادی خواهی و استقلال‌طلبی است. از این

رومی توان گفت شاخصه جهان‌شمولی تمدن اسلامی یکی از مؤلفه‌های بیداری اسلامی است.

۵. تمدن اسلامی که در ادوار شکوفایی خود بر مبنای اسلام و فرهنگ اسلامی تکیه داشت با خودباوری و اتحاد مسلمانان، تسامح و مدارا با دیگران از جمله اهل کتاب، خردورزی و دانش‌اندوزی، عدالت‌خواهی و استقلال‌طلبی به تمدنی بزرگ تبدیل شد؛ به طوری که تمدن غرب بهره‌های فراوانی از آن برد. اما هنگامی که تمدن اسلامی شاخصه‌های مذکور را از دست داد دچار ضعف، ایستایی و رکود شد. این تمدن که در دوران بعد تجدید حیات یافت تا حدودی شاخصه‌ها و ویژگی‌های دوران اقتدار و شکوفایی خود را احیا کرد ولی بنا به دلایل مختلف نتوانست آنها را حفظ نماید.

پس از آن منادیان بیداری اسلامی از همان آغاز بر مؤلفه‌هایی چون خودباوری، وحدت مسلمانان، تشکیل امت اسلامی، خردگرایی، بصیرت‌افزایی، نفی تقلید، دانش‌اندوزی و بهره‌گیری از اجتهاد و فقه پویا و نیز احیای معرفت دینی یعنی همان شاخصه‌های تمدن اسلام در اوج اقتدار و شکوفایی تأکید می‌ورزیدند؛ در نتیجه شاخصه‌های تمدن اسلامی، همان مؤلفه‌های بیداری اسلامی محسوب می‌شوند و در صورت تداوم این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها هدف نهایی بیداری اسلامی یعنی ایجاد جامعه مطلوب و احیای تمدن اسلامی تحقق می‌یابد.

نتیجه

۱. شاخصه‌های تمدن اسلامی با مؤلفه‌های بیداری اسلامی انطباق دارد.
۲. بیداری اسلامی نقطه آغازین احیای تمدن اسلامی است، از این جهت تمدن اسلامی قابل احیا است و تجدد ذیل آن پذیرفته می‌شود و در نهایت برتری و غلبه با تمدن اسلامی است.





۳. چون تمدن اسلامی و بیداری اسلامی هویت گرا هستند، به انسان‌ها شخصیت و هویت بخشیده تا به درستی در مسیر پیشرفت و ارتقا گام نهند.
۴. انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در شروع مجدد بیداری اسلامی و گام نهادن در جهت احیای تمدن اسلامی است.
۵. سیر تکاملی نظریه بیداری اسلامی عبارت است از:
- الف. مبارزه با غرب و استعمار.
- ب. مبارزه با استبداد و وابستگان غرب.
- ج. نظام‌سازی و مردم‌سالاری دینی.
- د: احیای تمدن اسلامی.
۶. بیداری اسلامی به رغم تفاوت‌های ظاهری در کشورها نقاط مشترک بسیار زیادی دارد که استمرار آن می‌تواند از یک سو موجب شود مردم سرنوشت خود را به دست گیرند و از سوی دیگر مسیر ملت‌ها جهت دستیابی به آرمان‌های بلند خود کوتاه‌تر شود.